

## جبهه جمهوریخواهان ایران

جمهوری عرفی، دمکراتیک و مردمسالار

### نکته ها و ضرورت های پیشنهاد ۱۲ اسفندماه ۱۳۸۱:

سی روز از انتشار پیشنهاد "جبهه جمهوریخواهان ایران" گذشت. در این زمان کوتاه گرچه آغاز جنگ آمریکا و انگلیس بر علیه ملت محروم عراق این موضوع مهم و بسیاری دیگر از مسائل را در رابطه با پریشان روزگار مردم ایران تحت الشعاع قرار داد، اما نتوانست آن را از نظر تیز بین تی چند از فرزندان و نخبگان جامعه دور نگاه دارد. آقای کورش عرفانی، سازمان های جبهه ملی ایران در خارج کشور، سازمان آشتی ملی، آقای دکتر علی اصغر حاج سید جوادی و جمعی از ایرانیان فرزانه در شهر فرانکفورت هر یک مطالب بسیار ارزشمند و پر اهمیتی را در باره جمهوریخواهی و فراخوان جمهوریخواهان منتشر کردند که در پایگاه [WWW.chebayadkard.com](http://WWW.chebayadkard.com) جمع آوری شد و در اختیار بازدیدکنندگان قرار گرفت. برنامه ویژه رادیو چکاوک در استکهلم و بحث و تبادل نظر در اطراف "جبهه جمهوریخواهان ایران" نیز در روز هفتم مارچ دارای اهمیت فراوان بود. همچنین آقایان ستار دلدار و مهدی ذوالفقاری برنامه سازان تلویزیون آپادانا اینترنتشان در شمال کالیفرنیا نسبت به تنظیم و پخش چند مصاحبه و برنامه تلویزیونی در این مقوله همت گماردند که باعث شد جمعی از ایرانیان آزاده در منطقه سن هوزه را برای تشکیل اولین مرکز در شمال کالیفرنیا علاقمند سازد.

### نکته ها و ضرورت های پیشنهاد:

در نوشته ای که روز سوم ماه مارچ ( 12 اسفندماه 1381 ) بر روی [WWW.chebayadkard.com](http://WWW.chebayadkard.com) و بی شماری از پایگاه های اینترنتی دیگر منتشر شد نکته ها و ضرورت هائی وجود داشت که باردیگر بخصوص اکنون که با حمله آمریکا و انگلیس به عراق اوضاع ایران را نیز وارد مرحله ای به مراتب حساس تر از پیش می کند در زیر تکرار می گردد.

#### ۱. استیصال زائد الوصف مردم در درون ایران

در میان جامعه هفتاد میلیون نفری ایران قطعا بسیاری مردم مبارزی که در برابر استیصال و حتا در برابر زندان و شکنجه و دیگر عوامل مشابه نیز دست از باورهای انسانی و صحیح خود بر نمی دارند. از اینگونه مردم استثنائی که بار اصلی مبارزه بر علیه ظلم و ستم همیشه به دوش آن ها بوده و خواهد بود و بر اساس گفته معروف نقیش "سنگ زیرین آسیاب" را به عهده دارند اگر بگذریم بقیه مردم که اکثریت جامعه را تشکیل می دهند در برابر استیصال بی حد و حسابی که در درون ایران با آن دست و پنجه نرم می کنند طبیعتا مقاومت خارق العاده ای نشان نخواهند داد. از سوی دیگر به این دلیل که ما ایرانیان در کشورهای آمریکا، کانادا و کشورهای اروپائی یک جمعیت چند ملیونی و بالقوه نیرومند و توانا هستیم غیر ممکن است که در رابطه با ایران و مسائل و معضلاتی که گریبانگیر مردم شریف و نجیب این سرزمین شده بی تأثیر باشیم. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم در این رابطه دارای نقشی هستیم. بنابراین قبل از هر مسئله ای لازم است نسبت به تنظیم کردن و به راه درست کشاندن این نقشی که خواه ناخواه ایفا خواهیم کرد خردمندان به فعالیت بپردازیم.

**استیصال** چنین بازدارنده و مخرب که دامنگیر هم میهنان ما در درون ایران شده زمانی رفع خواهد شد که اولاً نظام مستبد مذهبی در ایران ریشه کن شود و دوما استبداد دیگری جایش را نگیرد. با این وجود تقلیل دادن یا تعدیل کردن اضطراری و فوری این عامل خطرناک که قادر است ایران و ایرانی را به روزهای سیاه تر از امروز نیز بنشانند نه تنها در توان ماست، بلکه وظیفه انسانی و میهنی یکایک ما به حساب می آید. به این لحاظ در متن پیشنهاد دوازدهم اسفندماه بر روی استیصال مردم پافشاری شده بود. در این نوشتار نیز بار دیگر از عموم مردم شریف ایران در برونمرز تقاضا می شود بیش از همیشه در اینباره به اندیشه پرداخته و جدا از آنچه که به نظر این نگارنده و یاران دیگر در این پایگاه اینترنتی رسیده نسبت به ارائه راه حل های بهتری اقدام فوری به عمل آورند. بدیهی است چنانچه

نظرها و راه حل های ارائه شده از سوی همگان به دست ما برسد نسبت به انتشار سریع آن کوتاهی نخواهیم کرد.

۲. **اکثریت ایرانیان خاموش و نیمه خاموش** ساکن آمریکا، کانادا و اروپا مخاطب اصلی در پیشنهاد تشکیل "**جبهه جمهوریخواهان ایران**" بوده و هم اکنون نیز هستند. تکرار تجربه تلخ ۲۴ سال گذشته که هیچ حزب سیاسی از راست تا چپ نتوانستند باهم توافقی بکنند و هرکدام به تنهایی نیز نتوانستند توجه میلیون ها مردم ایران را در درون و بیرون مرزهای ایران به خود و منشورها، میثاق ها و بیانیه های خود جلب کنند کاری غیر ضروری. زیرا به نظر می رسد اشکال و ایراد در اساسنامه ها و منشورها و فراخوان های آنان نیست. مشکل و معما گویا در جای دیگری است که زحمت یافتن آن به حاصل و دست آورد آن می آرد. بی گمان کلید حل این معما فقط در دست توده های عظیم مردمی است که گویا به هیچ سیاست پیشه ای چندان امید و دل بستگی ندارند. به این دلیل، پیشنهاد تشکیل چنین جبهه ای در هر محل و شهر و دیاری که **مردم** شریف و توانا، اما نا امید و دلسرد از سیاست و سیاستباز سکنا گزیده اند تنها متکی به حضور فعال آن ها است.

۳. **سه صفت اصلی "عرفی"، "دمکراتیک" و "مردمسالار"** از بدنه و بنیاد **جمهوری** در طرح ارائه شده جدا ناشدنی است و رعایت همه جانبه این سه صفت همواره برای رفع هرگونه شک و شبهه و سوء استفاده از سوی بدخواهان ضروری است. هر ایرانی عاقل و بالغ و آزاده و پاک سرشت معنی و مفهوم این صفت ها را خوب می داند، به این دلیل نیازی به توضیح و تفسیر و تفصیل بیشتر در اینباره احساس نمی شود.

۴. **سالار بودن مردم و خدمتگزار بودن** سیاستمداران در این طرح پیشنهادی از اصولی است که اگر از هم اکنون بر آن تکیه نگردد و مورد تمرین و ممارست دائم نباشد نهادینه نخواهد شد. بدون این که منظور در این نوشتار اشاره و طعنه ای به شخصیت و یا حزب سیاسی ویژه ای باشد، چنانچه به نحوه عمل و کردار شخصیت هائی که منشورها و بیانیه هائی را به منزله کلام آخر و نص صریح و تغییر ناپذیر در راه رسیدن به اتحاد صادر و منتشر می کنند توجه کنیم می بینیم که آن ها از میلیون ها مردم خاموش و دل زده از سیاست و سیاستمدار فقط طلب امضاء و تأییدیه در زیر منشور و میثاق خود را دارند، این شخصیت ها و یا احزاب گرچه به احتمال قوی قصد و نیتی بسیار پاک و پسندیده دارند، اما آیا فکر نمی کنند که همین عمل و اینگونه امر به صادر کردن ریشه در فرهنگ استبداد دارد؟. آیا نمی دانند که اینگونه نحوه عمل فقط برازنده و مختص رهبر و یا رهبران انتخاب شده یک حزب و یا یک ملت است که اعضای آن حزب و یا افراد آن جامعه به آن ها مأموریتی و یا مسئولیتی اعطا کرده باشند؟ . . . . در نوشتاری اینچنین، رک و بی پرده نوشتن به این معنی و قصد نیست که بگوئیم و یا بنویسیم که منشورها و بیانیه هائی از این قبیل سراسر غلط و بی ارزش است، زیرا چنین نیست، بلکه این تلاشی است برای یافتن دلیل های احتمالی که دربابیم چرا با توجه به این همه منشور و بیانیه و قطعنامه و غیره "همچنان در خم یک کوچه مانده ایم؟". چرا تعداد امضا ها و تأیید ها از چندین صد امضا فراتر نرفته و نخواهد رفت؟ و چرا دست از ادامه روش هائی که تاکنون کوچک ترین کمکی به بهبود احوال پریشانمان نکرده است بر نمی داریم؟ و چرا به جای تکرار کاری را که دیروز همردیف و همقطاری انجام داده و بی نتیجه مانده و در واقع سرش به سنگ خورده دست به ابتکار تازه ای نمی زنیم؟.

"**طرح پیشنهادی تشکیل جبهه جمهوریخواهان ایران**" متکی بر "**سالار**" بودن مردم و "**خدمتگزار**" بودن سیاستمداران است. به نظر می رسد ما دائم به واژه "**مردمسالاری**" در گفتار و نوشتار اشاره می کنیم، اما در اعمال و کردارمان "**مردم**" خاموش را بدون این که بدانیم چرا خاموش و دلسرد شده اند به حساب نمی آوریم!!

۵. نکته مهم دیگر که در **طرح پیشنهادی** بر آن پافشاری شده بود پیروی از اخلاق سیاسی و انسانی شادروان دکتر محمد مصدق بود. در اخلاق سیاسی و باورهای آن زنده یاد

## صفحه سوم

"سالار" مردم بودند، او بارها خود را "نوکر" مردم معرفی کرده بود. مصدق راه و رسمی را به هر فرد مبارز و حامی مردم محروم ایران و جهان آموخت که چنانچه در طول تشکیل "جبهه جمهوریخواهان ایران" از آن راه و روش های امتحان شده پیروی شود هیچ دشمن بزرگ و کوچکی را تاب مقاومت در برابر ما و نیروی عظیم ما نخواهد ماند.

محمد حسینی

### توضیح:

لازم است به اطلاع هم میهنان شریف و آزاده برسد که ایکاش هریک از ما می توانستیم چنین جبهه ای را یک تنه بر پا سازیم و تا دروازه پیروزی مردم بر هیولای استبداد و استعمار یک تنه بتازیم، اما چنین نیست زیرا بدون حضور فعال یکایک ما (مردم) تشکیل چنین جبهه ای ممکن نیست و چنین نیروی عظیمی از قوه به فعل مبدل نخواهد شد. پیشیزی را که نگارنده این سطور می تواند در این راه انجام دهد گذشتن از مال، عدم توجه به جاه و تقدیم جان در راه رسیدن به مقصود است. (این توضیح از این نظر داده شد که در بعضی از رسانه های انگشت شمار ملی و مردمی گفته شده است چنین جبهه ای از جانب صاحب این نوشتار در شرف تشکیل است. ایکاش چنین کار بزرگی از دست کم توان اینجانب به تنهایی بر می آمد.)

### تماس:

- از طریق [www.chebayadkard.com](http://www.chebayadkard.com) و آدرس الکترونیک در این پایگاه اینترنت.
- فکس (نمبر) ۰۱۲-۳۴۲-۷۸۹۹
- تلفن ۰۱۲-۳۴۶-۵۷۵۴